



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبیٰ نورمفیدی

تاریخ: ۲۲ اسفند ۸۹

مصادف با: ۸ ربیع الثانی ۱۴۳۲

جلسه: ۲۲

موضوع کلی: حجیت قراءات

موضوع جزئی: حدیث احرف سبعة

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در حجیت قراءات سبع بود عرض کردیم برای حجیت قراءات سبع به دو دلیل استناد شده یک دلیل، روایت احرف سبعة است و دلیل دیگر، تواتر روایت احرف سبع است، بحث ما در روایت احرف سبعة بود عرض کردیم این روایت هم از طرق اهل سنت و هم از طرق شیعه نقل شده، از طرق اهل سنت به چند روایت اشاره کردیم و اقوال علماء اهل سنت را هم درباره روایت احرف سبعة ذکر کردیم که به پنج قول اشاره کردیم.

قول ششم:

قول ششم این است که منظور از احرف سبعة بطون و وجوه سبعة است یعنی قرآن دارای هفت بطن است به این معنا که ظاهرش یک معنایی دارد، بطن اول یک معنایی دارد و بطن دوم هم یک معنایی دیگر دارد و تا هفت بطن عمق پیدا می‌کند و این نشانه عمیق بودن معارفی است که در قرآن بیان شده که هر کسی به فراخور فهم و میزان احاطه‌اش به معارف دینی می‌تواند از آیات قرآنی استفاده کند.

طرق شیعه درباره روایت احرف سبعة:

در طرق شیعه هم روایت احرف سبعة نقل شده که به آن اشاره می‌کنیم:

روایت اول: از امام صادق (ع) نقل شده که حضرت فرمودند: «ان القرآن نزل علی سبعة احرف و ادنی ما للامام ان یفتی علی سبعة وجوه»؛ قرآن بر هفت حرف نازل شده و کمترین چیزی که امام می‌تواند بر اساس آن فتوا بدهد هفت وجه است یعنی امام بر اساس قرآن می‌تواند بر هفت وجه فتوا بدهد، البته مرحوم آقای خوئی و بعضی دیگر در سند این روایت و سایر روایات احرف سبعة خدشه وارد کرده‌اند و می‌گویند محمد بن یحیی صیرفی که در سند این روایت است مجهول می‌باشد.

روایت دوم: از امام باقر (ع) نقل شده که حضرت می‌فرمایند: «تفسیر القرآن علی سبعة احرف منه ما کان و منه ما لم یکن بعد ذلک تعرفه الائمة»؛ منظور از احرف در این روایت وجوه و بطون می‌باشد، همان‌گونه که در روایت قبلی چیزی که دلالت بکند بر اینکه منظور از احرف سبعة قراءات هفت‌گانه می‌باشد وجود ندارد در این روایت هم هیچ دلالتی بر اینکه منظور از احرف سبعة قراءات سبعة می‌باشد وجود ندارد.

روایت سوم: مرسله‌ای است از امیرالمؤمنین (ع) که حضرت می‌فرماید: «انزل القرآن علی سبعة اقسام کل منها شافٍ و کافٍ و هی امرٌ و زجرٌ و ترغیبٌ...»؛ حضرت هفت قسم از اقسام مطالب قرآنی را ذکر می‌کنند.

امثال آقای خوئی (ره) در سند این روایات اشکال کرده‌اند که یا مشکل ارسال دارند یا ضعف و مجاهیل در سند این روایات وجود دارند، پس سند این روایات اشکال دارد اما صرف نظر از اشکال سندی، قدر مسلم این است که از نظر دلالت هیچ کدام از این روایات اشاره‌ای به قرائت ندارد یعنی هیچ قرینه و شاهده‌ی که بشود با تمسک به آن «احرف سبعة» را حمل بر قراءات هفت‌گانه کرد در روایات وجود ندارد.

مرحوم فیض کاشانی بین این روایات جمع کرده و گفته: ممکن است منظور از این روایات این باشد که آیات قرآن دارای هفت گونه است و هر گونه دارای هفت بطن است و همچنین به هفت لغت و لهجه نازل شده، یعنی مرحوم فیض به نحوی بین مضامین هر سه روایتی که ذکر شد جمع کرده است. حتی این جمع مرحوم فیض را هم که در نظر بگیریم باز هم هیچ اشاره‌ای به قراءات سبعة نشده است.

البته روایاتی نقل شده که این روایات به نوعی بر سبعة احرف تأکید دارند؛ مثلاً روایتی از پیامبر نقل شده که حضرت می‌فرماید: از طرف خدا به من گفته شد که قرآن را به حرف واحد بخوان بعد حضرت می‌فرماید: «قللت یا رب وسع علی امتی فقال: ان الله یأمرک أن تقرأ القرآن علی سبعة احرف»؛ حضرت رسول اکرم عرض کردند خدایا بر امت من توسعه‌ای بده خطاب آمد: خداوند تو را امر می‌کند به اینکه قرآن را بر هفت حرف قرائت کنی. این را بر لهجه‌های مختلف حمل کرده‌اند یعنی اینکه قرآن را بر هفت لهجه قرائت کن، ولی احرف باز هم به معنای قرائت نیست.

نتیجه اینکه از مجموع روایاتی که از طرق اهل سنت و شیعه نقل شده و همچنین رأی قاطبه‌ی علماء اهل سنت حتی کسانی مثل ابن تیمیه و قاطبه‌ی علماء شیعه فهمیده می‌شود که روایت احرف سبعة دلالت بر حجیت قراءات سبع نمی‌کند و اصلاً احرف به معنای قرائت نیست، در بین علماء اهل سنت؛ سیوطی، زرکشی، ابو محمد مکی، ابو شامه و... با قاطعیت گفته‌اند منظور از احرف سبعة قراءات سبعة نمی‌باشد.

بعد از اینکه مسلم شد که مراد از روایت «ان القرآن نزل علی سبعة احرف» قراءات سبعة نمی‌باشد سؤال این است که با قطع نظر از سند روایت معنای روایت چیست؟ قطعاً بعضی از روایاتی که ذکر شد نظر به لهجه‌های مختلف دارد یعنی اینکه قرآن بر لغت‌ها و لهجه‌های مختلف نازل شده، بعضی دیگر به معنای بطون مختلف است، در بین علماء شیعه این دو وجه بیشتر از بقیه مورد توجه قرار گرفته است.

مسئله اختلاف لهجه‌ها امری طبیعی است همان‌گونه که در بین تمام مناطق دنیا اختلاف لهجه وجود دارد، بعضی مناطق مخارج حروف را نمی‌توانند اداء کنند، بعضی مناطق دیگر، حرکات را نمی‌توانند اداء کنند مثلاً جایی را که باید به فتحه بخوانند به کسره تلفظ می‌کنند و اصلاً قادر به تلفظ فتحه نمی‌باشند یا حتی بعضی از حروف را نمی‌توانند درست تلفظ بکنند و این در بین تمام زبان‌ها وجود دارد و زبان عربی هم از این امر مستثنی نیست و تکلیف به اینکه همه افراد قرآن را به لهجه

واحد قرائت کنند امر محالی بود لذا امکانی فراهم شد که همه با لهجه‌های مختلف بتوانند قرآن را بخوانند، در روایتی از ابن عباس آمده که پیامبر قرآن را به لهجه‌ی واحدی برای مردم قرائت می‌کرد و این برای مردم دشوار بود لذا جبرئیل نازل شد و عرض کرد: قرآن را برای هر قومی به لغت خودشان قرائت کن. یا مثلاً ابن قتیبه می‌گوید: از تسهیلات خداوند این است که به پیامبر امر فرمود: قرآن را به هر قومی به لغت خودشان و به حسب آداب خودشان تعلیم بده. در کتاب‌های علوم قرآنی نقل می‌کنند که: مثلاً طایفه هُذیل «حتی حین» را «عتی حین» تلفظ می‌کردند یا مثلاً طایفه اسد فتحه را نمی‌توانستند اداء کنند و «الم أعهد الیکم» را «الم إعهد الیکم» تلفظ می‌کردند، علی‌ای حال در اینکه قرآن توسط مردم به لهجه‌های مختلف قرائت می‌شده و پیامبر هم این را تأیید کرده بودند تردیدی وجود ندارد سؤالی که وجود دارد این است که اگر ما بگوییم منظور از حدیث احرف سبعة لهجه‌ها و گویش‌های مختلف است چرا در روایت می‌فرماید: «نزل القرآن علی سبعة احرف»؛ چون معنا ندارد که قرآن به هفت لهجه نازل شده باشد و نزول نمی‌شود بیشتر از یکی باشد، پس باید بگوییم احرف به معنای لهجه هم نمی‌تواند باشد زیرا نزول بر هفت لهجه امکان ندارد.

نتیجه: روایت احرف سبعة اساساً قابل قبول نیست چون علاوه بر اینکه مشکل سندی دارد از نظر دلالت هم «احرف» نه بر قراءات سبعة حمل می‌شود و نه بر لهجه‌های مختلف، صرف نظر از سند روایت آنچه که با قواعد و معنای روایات سازگار است این است که «احرف» را به معنای بطن بدانیم یعنی قرآن بر هفت بطن نازل شده که هر کدام از این بطون خودش هفتاد بطن دارد و یا بگوییم قرآن بر هفت قسم از مطالب نازل شده است، نتیجه اینکه این روایت اثبات حجیت قراءات سبع را نمی‌کند.

بحث جلسه آینده: بررسی تواتر قراءات سبعة و اینکه آیا در مورد قراءات هفت‌گانه می‌توانیم ادعای تواتر بکنیم یا نه؟ بحث جلسه آینده خواهد بود.

«والحمد لله رب العالمین»